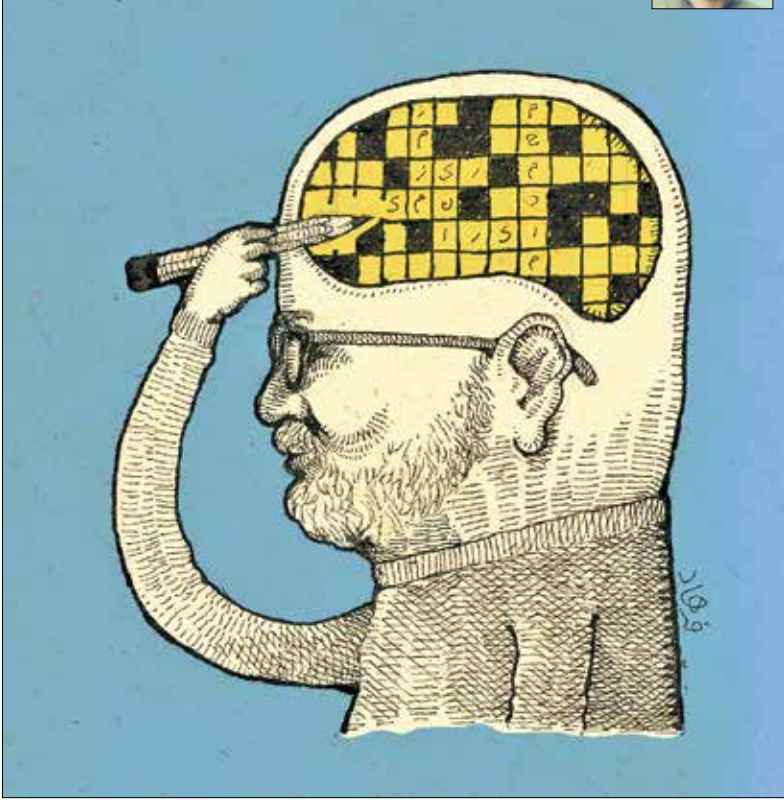


■ سال بیست وهفتم ■ شماره۷۷۹۶ ■ یکشنبه ■ ۲۱ آذر ۱۴۰۰

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مندوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</p> <p>http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱/۵۸ اذان مغرب۱۲/۱۷ نیمه شب شرعی ۲۳/۱۳ اذان صبح فردا ۵/۳۵ طلوع آفتاب فردا ۷/۰۵</p>	
<p>امام علی(ع):</p> <p>سخت‌تر از آنست که آدم خیانتکار وفا ندارد</p>	
<p>سخن روز</p> <p>غزل‌الحکم و در‌الکلم.</p>	

نگاره	
<div><div>فرهاد آرا‌ام‌راد</div></div>	
<div><div>روز و شب را می‌شمارم روز و شب</div></div>	



هنرمندان در فضای مجازی	
<p>با باز شدن سالن‌های سینما و تئاتر، هنرمندان این روزها از اجراهای تازه‌شان می‌گویند و می‌نویسند و مثل همیشه صفحات مجازی این هنرمندان لبریز از کامنت و لایک و... است. آوردن همه این مطالب قطعا در مجال ما نمی‌گنجد اما به برخی از آنها مروری می‌کنیم که از جهان سینمایی‌ها، تئاتری‌ها و ادبیاتی‌هاست.</p>	

یاداو	
<p>گیتی رئوفی (معلم بازنشسته و همسر جمشید مشایخی) صبح دیروز ۲۰ آذر ماه در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت. مه‌رتاش مهدوی از دوستان و نزدیکان خانواده جمشید مشایخی (بازیگر فقید) این خبر را در تماس با ایسنا تأیید کرد. او که چند ماه قبل به همراه فرزندش نادر مشایخی به کرونا مبتلا شده بود، از این بیماری بهبود یافت اما در چند هفته اخیر به دلیل عوارض کرونا در بیمارستان بستری شد و از دنیا رفت. رئوفی متولد ۱۳۱۵ بود و در سن ۸۵ سالگی درگذشت.</p>	

چهره‌ها	
<p>گل‌اب آدینه که این روزها نمایش «بانوی محبوب من» را روی صحنه سالن اصلی تئاتر شهر دارد در پستی اینستاگرامی درباره این اثر نمایشی توضیحاتی داد. او نوشته است: «قابل توجه عزیزانی که پرسیده‌اند آیا نمایش ما موزیکال است یا نه؛ نمایش موزیکال نیست اما در اجرای آن از موسیقی و حرکت استفاده زیادی شده است. سیاست‌گذار مدیر دوبلاژ این فیلم زنده یاد استاد «علی کسمانی» هستم که اگر دوبله ماهرانه ایشان نبود اجرای این نمایش غیرممکن بود.»</p>	
بی‌تأفرهی نسخه ویژه ناینیانیا فیلم «لیلا» ساخته داریوش مهرجویی را خواند. گلاره عباسی این خبر را در اینستاگرام خود داده و نوشته است: «انتشار نسخه ویژه ناینیانیا «لیلا» با صدای بی‌تا فرهی. این گروه نسخه ویژه ناینیانیا فیلم سینمایی «لیلا» ساخته داریوش مهرجویی را روز پنجشنبه ۱۸ آذر ماه در چهارچوب برنامه فیلمخانه منتشر می‌کند. این فیلم روز پنجشنبه ساعت ۱۹ از رادیو سوینا پخش می‌شود و پس از آن، روی سایت سوینا در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد.»	
علی جهاند ار خواننده کشورمان، لحظاتی از اجرایش با مرحوم حسن کسایی را منتشر کرده و نوشته: «به‌یاد سال‌هایی که پر از شور بود و شوق، پر از عشق بود و امید، دوران تکرارنشدنی حضور در محضر استاد کامل حسن کسایی. لحظاتی از اجرای خصوصی شور، با سه‌تار استاد حسن کسایی و آواز علی جهاند که برای نخستین بار به عاشقان آواز و موسیقی ایرانی تقدیم می‌گردد. اصفهان ۱۳۷۲»	

چه خبر؟	
<p>■ کامران شرفشاهی شاعر و پژوهشگر در اینستاگرام خود ذکری از بازیید بسطامی آورده در معنی اخلاق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری. او نوشته است: «شیخ ابوسعید به مسجد جامع رفت تا موعظه نماید. بر منبر نشست و چون مسجد پر بود، منادی به جهت باز شدن جا برای حضور بقیه مشتاقان ندا داد ای مردم! برای خدا، هر کس از آنجا که هست یک قدم پیش آید. پس شیخ ابوسعید فرمود خدا این مرد را رحمت کند که آنچه را که برایش تمام انبیا و اولیای الهی آمدند و کوشش کردند تا به انسان بیاورند در یک کلمه بیان کرد.ابوسعید این بگفت و بی‌هیچ سخن دیگری از منبر فرود آمد.»</p> <p>■ صفحه اینستاگرامی هنرمندان ایرانی خاطره‌ای از سهراب سپهری در مورد کار در اداره کشاورزی به عنوان «مأمور مبارزه با ملخ» منتشر کرده و در گومه آورده است: «نمی‌دانم تابستن چه سالی، ملخ به شهر ما هجوم آورد. زبان‌ها رساند. من مأمور مبارزه با ملخ در یکی از آبادی‌ها شدم. راستش را بخواهید، حتی برای کشتن یک ملخ هم نقشه نکشیدم! وقتی میان مزارع راه می‌رفتم، سعی می‌کردم پا روی ملخ‌ها نگذارم. اگر محصول را می‌خوردند پیدا بود که گرسنه‌اند. منطق من ساده و هموار بود. روزها در آبادی زیر درختی دراز می‌کشیدم و پرواز ملخ‌ها را در هوا دنبال می‌کردم. اداره کشاورزی مزد مرا می‌پرداخت.»</p>	

لذت کشف حقیقت	
<p>ارد عطاریور: همیشه به عنصر روایت اهمیت می‌دهم. قصه یک چیز است و روایت قصه چیزی دیگر. مثل وقتی که خاطره‌ای را یکی تعریف کند و جذاب نباشد اما دیگری همان خاطره را جذاب بگوید. من سعی می‌کنم جوری مستندم را بسازم و تعریف کنم که برای مخاطب جذاب باشد. من فیلم می‌سازم تا دانش خودم را بالا ببرم. بخش لذت‌بخش آن وقتی است که من را به جست‌وجو و تحقیق و پیگیری موادی می‌برد که بتواند یک معما را حل کند. برای من اگر آن معما حل شود و بخشی از واقعیت را بازتاب دهد، یک احساس لذت و موفقیت است.</p>	
<p>بخشی از صحبت‌های این مستندساز در مراسم بزرگداشت‌اش در جشنواره سینما حقیقت</p>	

به بهانه انتشار دفتری تازه از شاعر پیشکسوت شعر انقلاب «حسین مهر آذین»	
<p>سطرهای سر به زیر شعر</p>	
<p>رابطه ادبیات و جامعه، رابطه‌ای تقابلی نیست و انسان به‌عنوان عنصر مشترک جامعه و ادبیات، متأثر از هر دو سوی این ارتباط، پیوسته در دگردیسی است و بازترین این تبدیل وضعیت، در آفرینش‌های ادبی خود را به نمایش می‌گذارد که از آن به‌عنوان تحرک ادبی یاد می‌شود. فرایندی که با فروپاشی‌ها و نوزایی‌هایی سبکی در ادبیات قابل مطالعه است. یکی از مهم‌ترین خاصه‌های تحرک استمراری ادبیات «غزل» است. غزل فارسی بنا به قدمت، زیبایی‌های ظریفیتی و تمایل ادبی شاعران همواره کالبد آفرینش شعرها بوده است. توجه به پیشینه ادبی غزل و سیر تحولات آن بویژه در چند دهه اخیر، جایگاه این شکل شعر فارسی را بخوبی تبیین می‌نماید. اکنون نیز غزل، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین فرم‌های شعر روزگار ما که انقلاب، جنگ و فراز و فرودهای اجتماعی را پشت سر گذاشته است، همچنان از بسامد آفرینشی فراوانی برخوردار است. با چنین چشم‌اندازی مروری بر اثری تازه‌منتشره در حوزه غزل خواهیم داشت. «حسین مهر آذین» از جمله اهالی غزل است که پنج دهه شاعری و چهار مجموعه شعر در کارنامه هنری خویش دارد. شعر مهر آذین متولد روزگاری است که گلدایاتورهای ادبی در آن می‌زیسته‌اند. سال‌های او پسین دهه چهل را اگر مبدأ شاعرانگی‌های او بدانیم، اوج آفرینش‌های شعری او را باید سال‌های نخستین جنگ و روزگاری که همسایگی حماسه و تغزل، اسباب آفرینش غزلی دیگرگونه را فراهم آورد، دانست. دفتر «آبی اما کیود» گزیده‌ای از آثار اخیر مهر آذین است که توسط نشر «روشن مهر» منتشر شده است. رفتار زبانی مهر آذین در برخی سطرها چنان معاصر و پیرائزری است که هر کدام از آن سطرها می‌تواند نشانه‌ای از ظرفیت‌های پنهان شعر او باشد که کمتر از</p>	<p>پیاپیده رو</p> <p><i>ارمغان بهداروند</i> روزنامه نگار</p>

مروری بر اهمیت جشنواره‌های تئاتر استانی و چالش‌هایش	
خانه روشنان	

پیشنهاد	
<p>پس از نمایش آثار هرو شیخ‌الاسلامی و فرناز اخلاقی اکنون نوبت به آثار نزار موسوی نیا رسیده است. که از روز جمعه ۱۹ آذرماه در گالری آرت سنتر به نمایش گذاشته شده و تا ۲۹ آذرماه هم این نمایشگاه ادامه دارد. نقاشی‌های نزار، به‌طور شگفت‌انگیزی بیان حال و روز جامعه فعلی ماست. آدم‌های معلق در فضایی اثیری، با شکل و شمایل‌ی غریب که پیرامون آثارش را بر کرده است، انگار بیانی از روزگاری است که همین سال‌ها گرفتار آن بوده‌ایم. اینکه هنرمند حتی از ده سال قبل آثاری خلق کرده که انطباقی خارق‌العاده با زندگی عجیب نزار موسوی نیا برای است که شاید خود موسوی نیا هم پاسخی برای آن ندارد. و هنر ناب همین گونه است که خود می‌نمایاند. هنری که در هماهنگی تام و تمام بین هنرمند و رویدادهای جاری جامعه‌اش آفریده شده است. از همین بابت است که گفته‌اند نقاشی‌های عجیب نزار موسوی نیا برای ما غریب نیست. آشناست، با این عجایب او بیگانه نیستیم، چون ریشه در سنت و زندگی و تاریخ هنر خود ما دارد و عجیب‌تر اینکه ناآرامی که در آثارش نشان داده، شبیه یک پیشگویی است که با هر تفسیر دیگری از دنیای کرونا زده اکنون است.</p>	

در همانگی تام و تمام بین هنرمند و رویدادهای جاری جامعه‌اش آفریده شده است. از همین بابت است که گفته‌اند نقاشی‌های عجیب نزار موسوی نیا برای ما غریب نیست. آشناست، با این عجایب او بیگانه نیستیم، چون ریشه در سنت و زندگی و تاریخ هنر خود ما دارد و عجیب‌تر اینکه ناآرامی که در آثارش نشان داده، شبیه یک پیشگویی است که با هر تفسیر دیگری از دنیای کرونا زده اکنون است.	
دنیای سوررئال نزار، اگر چه عجیب است اما جدید هم هست. آن را باید نگرشی بسیار شخصی به جامعه‌اش دانست و این ربط و پیوند میان تجربه‌های شخصی او و دنیای بیرون، وجه تمایز و البته جذابیت کارهایش خواهد بود. در مجموع فکر می‌کنم، نقاشی‌های نزار موسوی نیا یک پرسش بزرگ برای بیننده است. پرسشی که یافتن چراها و پاسخ‌های آن، خیلی خوب ما را از سختی‌های این سال‌ها به درون ذهن هنرمند پرتاب می‌کند و دنیایی تازه در افق دیدمان می‌گشاید.	
نمایشگاه نزار موسوی	
گالری آرت سنتر	
زمان ۱۹ تا ۲۹ آذر	

خرم آن کس که در این محنت‌گاه خاطری را سبب تسکین است	
پروین اعتصامی	

یادی از سالروز سقوط دولت خودخوانده آذربایجان	
وعده‌های آزادی که سر از اردوگاه‌های سیری در آورد	
<p>حکومت سرخ‌ها تحت لوای اتحاد جماهیر شوروی به پایان خود نزدیک می‌شد و دیگر از تبعیت جمهوری‌های آقماری در حد استان از مسکو خبری نبود. هر یک از جمهوری‌های ۱۷ گانه مسیر دلخواه خود را پیش گرفته و هویت مستقلی یافته بودند. از جمله اقدامات جمهوری‌های تازه استقلال یافته برقراری رابطه با سایر کشورها به‌عنوان یک واحد سیاسی بود. نخستین سفیر ایران در قزاقستان یکی از جمهوری‌های نواستقلال در راستای تحقق استقلال خود اقدام به تأسیس سفارت در کشورمان کرده، ایران نیز متقابلاً در صدد برآمد تا نمایندگی سیاسی خود را در آلماتا – پایتخت وقت این کشور- تأسیس کند. نگارنده در معیت آقای رسول اسلامی نخستین سفیر ایران در قزاقستان راهی این کشور شدیم. طبق روال نمایندگی‌های کشورمان در سایر کشورها که برخی پست‌ها از محلی‌ها تأمین می‌شوند، چند نفر به‌عنوان کارمند محلی جذب و مشغول به‌کار شدند. «جعفر اصفهانی» یکی از ایرانیان مقیم آلماتا نیز به‌عنوان راننده به استخدام سفارت ایران درآمده و مشغول به‌کار شد. در مسیر مأموریت‌های روزانه منوجه سرفصل‌هایی از زندگی پر از مشقتش شده و کنجکاوشم تا بیشتر بدانم. برای این منظور روزی کنارش نشستم تا شرح زندگی پر از درد و رنجش را برابم بازگوید. ابتدا بادی از تنها پسرش کرد و کارش ریخت. پسرش در دوران سربازی در ترکیب ارتش شوروی سابق به افغانستان برده شده و آنجا در شبیخون مجاهدین افغان جان خود را از دست داده و جنازه‌اش هم برنگشته‌بود.</p> <p>سپس این‌گونه ادامه داد: «دو دوران نوجوانی علاقه زیادی به سفر داشتم و برای اینکه بتوانم بدون صرف هزینه به جاهای مختلف سفر کنم، شاگرد یک کامیوندار شدم. در سفر دوم با سوم باری به شهر زنجان خوردم و من شادمان از اینکه امکان دیدن شهر دیگری فراهم شده از صبح زود پای ماشین حاضر بودم. ساعتی بعد صاحب کامیون آمد و به سمت زنجان به راه افتادیم، اما همین‌که به زنجان رسیدیم عده‌ای تفنگدار جلوی ماشین ما را گرفتند و به ساختمانی که می‌گفتند مرکز فدائیان شهرستان زنجان است، بردند. ما نمی‌دانستیم آنها چه کسانی هستند و یا ما چکار داریم؟ چون ما خلاقی مرتکب نشده بودیم، من هم جوان‌تر از آن بودم تا از مسائل سیاسی سر در بیاورم، اما چهار سالی بود که می‌دیدم نظامی‌های زاغ و بور که ایرانی نیستند اسلحه به‌دست همه جا هستند. بعدها فهمیدم آمریکا و انگلیس و روس با هم متحد شده و به بهانه پناه دادن ایران به آلمانی‌ها کشورمان را اشغال کرده‌اند. به‌هرحال کامیون ما را مصادره کردند و هرچه گریه و زاری کردیم که کامیون مال خودتان با خود ما کاری نداشته باشید و اجازه دهید برگردیم، نپذیرفتند و گفتند ما راننده نداریم و باید با کامیون خودتان برای دولت ملی آذربایجان کار کنید و الا اعدام خواهید شد. ناچار تبعیت کردیم و آنها ما را به تبریز فرستادند. آنجا کمیته مرکزی فرقه دموکرات همه روزه به ما مأموریت‌های مختلف می‌داد تا با راهپایان را بین شهرهای نزدیک جابه‌جا کنیم. وضع به‌همین منوال تا یک سال ادامه یافت. تا اینکه آذر ۱۹ ۱۳۲۵ ارتش ایران وارد عمل شد و شروع به پس گرفتن شهرها کرد. ما خیلی خوشحال بودیم که نجات خواهیم یافت و بعد از یک سال به خانه و زندگی خود برواходим گشت، اما تا نزدیک شدن قوای نظامی ایران به مراغه به دستور سران فرقه ما موظف شدیم اثاث منزل غلام یحیی دانشیان یکی از سران فرقه و حاکم مراغه را بار بزنیم و به نخجوان ببریم. آنجا بعد از تخلیه بار به ما اجازه بازگشت ندادند.</p> <p>همان ایام دولت ایران اعلام کرده بود تا سه روز تردد از مرزها آزاد است، هر کس می‌خواهد برود و هر کس می‌خواهد برگردد، من و راننده کامیون به اتفاق چند نفر دیگر که از همراهی با فرقه و سفر به خاک شوروی پشیمان شده بودند داوطلب بازگشت شدیم. آنجا دیگر سران فرقه کارهای نبودند بلکه مقامات شوروی و افسران روس امر ونهی می‌کردند. آنان دستور دادند تا کسانی که می‌خواهند به ایران برگردند در یک صف بایستند. صفی طولانی تشکیل شد، بعد نفرات صف را به ساختمانی دولتی بردند و دسته دسته در جاهای مختلف زندانی کردند. بعد از یک هفته همه ما را سوار قطاری که به صورت سالتی بدون صندلی و شرایط زندگی بود و هیچ روزنه‌ای به بیرون نداشت، کرده و به سمت سبیری بردند. در این سفر که حدود ۲۱ روز طول کشید جیره روزانه ما یک قرص نان بود و اجازه نداشتیم از قطار پیاده شویم. چندین نفر از همراهانمان در مسیر از سرما و گرسنگی فوت شدند. بعد از رسیدن به سبیری ما را در اردوگاه‌های اجباری به‌کار گرفتند. روزی نبود که عده‌ای از گرسنگی، سرما یا بیماری فوت نکنند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه استالین مرد، با مرگ استالین ما هم مشمول عفو شدیم و بنا شد به مناطق نیمه گرم برده شویم. جمع ایرانیان که در این مقطع حدود ۵۰۰ نفر بود به شهر چیمکند قزاقستان کوچ داده شدیم و از آن زمان تا الآن در این کشور زندگی می‌کنیم.»</p>	

عکس نوشت	
<p>میراث آریا گزارش تصویری از بافته‌های «دار»؛ منتشر کرده که دنیایی از نقش و رنگ است. بافته‌های‌داری محصولاتی چون قالی، کلمک ،جاجیم و... است که به کمک دارهای افقی وعمودی مسقر در کارگاه تولید می‌شوند.</p>	